

کنش برای سرنگونی

(1)

جنبش صنفی فرهنگیان

بیست و پنج سال پیش در کشورمان مثلث اتحاد بازاریها- روحانیت و قشرهای پارازیتی فاقد هویت طبقاتی، قدرت را بدست گرفتند. این حکومت مورد حمایت مثلث فراماسونری، اسرائیل و اروپا واقع شد. از یکسو برای غارت ایران، از طرف دیگر برای آغاز جریان اسلام گرایی رادیکال در سراسر جهان و سر انجام برای جلوگیری از ظهور يك قدرت جدید منطقه ای. بهای این کودتای ضد اجتماعی در داخل و خیانت خارجی را ملت مظلوم ایران پرداخت. با بیش از هشت سال جنگ و يك میلیون کشته و زخمی آن، با از دست دادن بیش از یکصد هزار مبارز خود، غارت بخش عمده ی ثروتها و منابع طبیعی و انسانی سرانجام با تبدیل شدن به ملتی فقیر و دچار بحرانهایی حاد اجتماعی، اخلاقی، روانی و انسانی. ایران در سراسر انحطاط تاریخی خود قرار گرفت و تا زمانی که وضعیت کنونی ادامه داشته باشد این روند نیز تخریب کشور را دامن خواهد زد. تا جایی که نه از تآك نشان ماند و نه از تآك نشان.

سرنوشت هر ملتی به دست خود او رقم خواهد خورد. هر ملتی که در انتظار نجات بخشی در بیرون از خود باشد محکوم به فناست و به همین خاطر نیز این، کار و تلاش و مبارزه تآك تآك ماست که می تواند ایرانمان را از فرو رفتن بیشتر در گرداب تاریخی ساخته ی رژیم اسلامی نجات بخشد.

امروز به تدریج علائم حرکتی اعتراضی گسترده از درون جامعه دیده می شود. وقایع فریدون کنار به خوبی پتانسیل خشم مردم را بیان می کند. در این میان اما جنبش های صنفی می توانند جنبش های اجتماعی را پدید آورند اما نه بصورت خودکار و مکانیکی، بلکه به صورت کار شده و فعال. مجموعه ی عواملی که امروز بر رژیم اسلامی فشار می آورد می تواند سبب تغییرات جدی در ایران بشود. به این شرط که ما آنها را بطور هوشمندانه و برنامه ریزی شده مورد استفاده قرار دهیم و حداکثر بهره برداری را از آنها بکنیم. در این سری از نوشتارها به برخی از روشهای بهره برداری سیاسی از شرایط کنونی برای ضربه وارد ساختن به رژیم جمهوری اسلامی می پردازیم. هر چند که با وجود شرایط اختناق و سرکوب شدید در ایران بکار بستن تمام مواردی که بیان می شود دشوار و یا ناممکن به نظر می رسد، اما این واقعیتی است که هرچه تلاشها ی مبارزاتی حساب شده تر و با برنامه ریزی بهتر باشد، امکان موفقیت آن نیز افزایش خواهد یافت. در این مقاله به اهمیت حرکتی صنفی خواهیم پرداخت.

زمینه ی بروز جنبش های صنفی

عدم مدیریت خردگرایانه بر ساختار اقتصادی جامعه سبب شده است که اقتصاد کشور به مرزهای فروپاشی خود نزدیک شود. تورم 20 درصدی زندگی را بر عده ی زیادی از مردم ناممکن ساخته است. تا حدی که دیگر ترس و وحشت از سرکوب جهنمی رژیم نیز به عقب رانده شده است. مشکلات اقتصادی ایران از نوع ساختاری هستند و رژیم باید برای آنها پاسخهای ساختاری تهیه کند. اما حاکمیت قادر به یافتن این گونه راه حل های بنیادی نیست چون زیربنای اقتصادی کشور بر اساس بدیهیات مدیریت خردگرایانه گذاشته نشده و امکان بازگشتی نیز در چارچوب ساختار سیاسی کنونی وجود ندارد. هر گونه پاسخ بنیادی به مشکلات پایه ای از يك تغییر سیاسی حاکمیت عبور می کند. چیزی که اجازه خواهد داد بافت مدیریتی کشور به کلی تغییر کند و به جای مشتی مدیر نالایق ریشو، افرادی کارآمد و دلسوز اداره ی امور جامعه را بدست گیرند.

اما تا آن زمان مشکلات اقتصادی بطور متداوم زاینده ی حرکتی صنفی خواهند بود. اعتصاب يك هفته ای معلمان در شهرهای بزرگ کشور، که در نوع خود در دو دهه ی گذشته بی

سابقه بود، نشان می دهد که بدون پاسخهای روشن و مشخص به خواستههایشان، فرهنگیان به حرکت خود ادامه می دهند.

در همین رابطه به نظر می رسد که کارگران که به مراتب فقیرتر از معلمان هستند نیز به تدریج در حال سازماندهی خویش می باشند. تعیین حداقل دستمزد برای کارگران تبدیل به پاشنه ی آشیل رژیم شده است. اگر این حداقل مطابق با واقعیتهای اقتصادی نباشد کارگران اعتراضات خود را دامن خواهند زد. اگر هم که دولت به خواست آنان پاسخ مثبت دهد از حیث مالی قادر به پرداخت دستمزدها نخواهد بود. در حال حاضر موقعیت دشوار مالی رژیم سبب شده که برخی از اقشار مردم ماههاست حقوق و یا سالهاست که عیدی و مزایا دریافت نکرده اند. جمهوری اسلامی که می داند این عدم پرداختها به مرحله ی غیرقابل تحمل خود رسیده است تصمیم گرفته به عنوان یک صرافیه بزرگ چند میلیارد دلار ارز به فروش برساند تا با پول آنها حقوق ها و نیز معوقه های کارگران و کارکنان دولت را بپردازد. به همین خاطر نیز مجلس با اکثریت « اصلاح طلب»، در جریان تصویب بودجه ی سال 1383 یک کادوی جانانه به دولت « اصلاح طلب» خاتمی داد. مجلس دولت را مجاز دانست که بیش از 6,5 میلیارد دلار از صندوق ذخیره ی ارزی برداشت کند. دولت ورشکسته خاتمی می خواهد این دلارها را در بازار ارز آزاد کشور بفروشد و با جمع آوری تومان، به پرداخت دست مزد کارکنان دستگاه دولت و سایر هزینه های جاری بپردازد.

اما هر اقتصاد دان تازه کاری نیز می داند که چنین تصمیمی معادل آن است که به یک انسان دچار بیماری ناشی از پرخونی، چندین بسته خون اضافه تزریق کنند. جامعه ایران که قریانی نقدینگی بیش از حد ناشی از چاپ اسکناس های بی پشتوانه است اینک شاهد تزریق چند میلیارد دلار پول جدید خواهد بود. این کار، حجم پول در گردش را بالا می برد و به تناسب آن تورم را افزایش خواهد داد. افزایش تورم سبب خواهد شد که حقوق کارگران و کارمندان باز هم کم ارزشتر شده و مشکلات مالی عمومی اقشار با درآمد ثابت افزایش پیدا کند. از طرف دیگر تزریق دلار به بازار سبب کاهش قیمت ارز، فرار ارزها به خارج، کاهش صادرات و افزایش واردات می شود. با واردات بیشتر تولید داخلی آسیب خواهد دید و بیکاری افزایش پیدا خواهد کرد. مجموعه ی اثرات منفی این سیاست جدید دولت خاتمی خبر می دهد که سال 1383 از حیث اقتصادی سال فاجعه آفرینی نظام خواهد بود. فقر فراگیرتر، بیکاری فزونی و تورم بیشتر خواهد شد. اعطای این رقم از برداشت در ذخایر ارزی سبب خشم دست راستیهای شده است که در انتصابات اول اسفند تعیین شدند و قرارست که به مجلس هفتم راه یابند. تشکیلات موسوم به «آبادگران» که متعلق به خامنه ای و به ریاست حداد عادل است طی بیانیه ای نسبت به این تصمیم مجلس اعتراض کرد. زیرا آنها از حالا دندان تیز کرده بودند که با اتکاء به این صندوق ذخیره ی ارزی، در مجلس هفتم، تصمیم های نمایشی و فریبکارانه به نفع مردم اتخاذ کنند و از این طریق برای خود محبوبیت و مشروعیتی را که ندارند بوجود آورند. اما رقباي اصلاح طلب که دست آنها را خوانده بودند در جریان تصویب مفاد بودجه سال 1383 این پول را به دولت دادند تا صندوق برای سال آینده بطور تقریباً کامل خالی باشد و مجلس هفتم بماند و هزار و یک مشکل لاینحل.

برخورد حرفه ای با جنبش های صنفی

از داده های فوق بر می آید که حرکتهای اعتراضی با ماهیت اقتصادی و صنفی در سال 1383 افزایش خواهد یافت. زیرا دولت خاتمی برای درست کردن ابروی اقتصاد ایران چشم آنرا کور خواهد کرد. هم زمان با افزایش این حرکت های صنفی، باید به سازماندهی مناسب آنها پرداخت. این مهم در درجه ی اول از فعالان هر یک از حرکت ها ساخته است. اما سایر نیروهای فعال بیرونی و درونی نیز باید به یاری آنها بشتابند. در این رابطه باید حرکت های فوق دارای آن نوع از سازماندهی باشد که اجازه دهد تداوم و حفاظت آن ممکن باشد. در این رابطه برخی ملزومات مطرح است :

1- وجود یک شورای هماهنگی : وظیفه این شورا، که می تواند در ابتدا علنی نیز نباشد، برقراری هماهنگی در تصمیم گیری و اجرای تصمیمات است. این شورا که از بین منتخبین فعال حرکت باید تشکیل شود در سراسر کشور و در موسسات مختلف رابط

های خود را خواهد داشت. تماس با این رابط‌ها از طریق تلفن، فاکس، ای-میل، دیدار حضوری و ... انجام می‌شود. از این طریق نظرات از تمامی سطوح و مناطق جمع‌آوری شده و بر اساس آن یک تصمیم مشترک اتخاذ می‌شود.

در مورد حرکت فرهنگی در حال حاضر کانون‌ها و انجمن‌های متعددی وجود دارد. آنها باید در راه تحقق اهداف فعالیت‌های خود، در پی ایجاد این شورای هماهنگی باشند. این شورا که ممکن است اعضای آن در چند نقطه‌ی جغرافیایی هم باشند با یکدیگر در تماس بوده و کارهای هماهنگی و تصمیم‌گیری را انجام می‌دهند. وجود این شورا برای ایجاد حرکت‌هایی همسو و هم‌زمان لازم است. در حال حاضر می‌بینیم که به دلیل نبود این شورا، دولت با بخش اطلاعاتی‌های جعلی از سوی کانون‌های صنفی فرهنگیان سعی در ایجاد تفرقه و آشفتگی در حرکت و تضعیف آن دارد.

2- جمهوری اسلامی تلاش دارد که این حرکت‌ها را با تهدید، تطمیع و فریب ساکت کند. برخورد فعال با هر یک از این شیوه‌ها لازم است. در صورت تهدید، باید واکنش‌های قاطع و قوی ارائه داد تا اصولاً بهای تهدید آنقدر بالا رود که دولت به دنبال آن نرود. بطور مثال به محض تهدید و یا اقدام به احضار و بازداشت فعالان جنبش از جانب دولت، باید اعتصابات بیست و چهار ساعته ناگهانی سازماندهی کرد. این اعتصابات باید با تظاهرات اعتراضی و افشاگری تهدیدات یا اقدامات سرکوبگرانه‌ی انجام شده همراه باشد. به محض بازداشت فعالان و یا مسولان حرکت، باید **واکنش عملی** نشان داد: اعتصاب، تحصن، تجمع در مقابل نهادهای دولتی، بستن راه‌ها و خیابان‌ها، اشغال ادارات مربوط و ... باید دانست که هرگونه سستی و انفعال در مقابل تهدید و سرکوب، سبب بکارگیری مستمر و شدیدتر آن خواهد شد. جنبشی که از خود محافظت نکند از پای در خواهد آمد. باید با روحیه تهاجمی به دفاع از حرکت پرداخت.

در مقابل تطمیع باید پیوسته خواهان راه حل‌های دراز مدت و بنیادی شد و به دست آوردهای کوتاه مدت، کوچک و گذرا رضایت نداد. در مقابل فریبکاری و وعده‌های پوچ باید از دولت ضمانت‌های اجرایی قانونی و زمان‌بندی شده در خواست کرد. در هیچ حالتی نباید اجازه داد که مسئولان دولتی تنها تعیین‌کننده باشند. باید سعی کرد حداکثر شرایط را به آنان تحمیل کرد و حق خود را از چنگ آنان بیرون کشید. هر گونه برخورد خوش بینانه و ساده‌باورانه با رژیم مکار و دورگویی حاکم، خطایی است بزرگ.

3- سازماندهی و مدیریت حرکت: موفقیت یک حرکت صنفی در سازماندهی و مدیریت هماهنگ شده‌ی آن است. فعالان این جنبش‌های صنفی باید روی این موارد از قبل کار کنند و تمامی امکانات لازم را برای این منظور پیش‌بینی نمایند. از سوی دیگر باید واکنش‌های مختلف دولت را از قبل پیش‌بینی کرد و برای آنها پاسخ‌های مناسب را آماده ساخت. حرکتی که به خواهد بر اساس تصادف و شانس عمل کند به جایی نخواهد رسید. به همین خاطر ضمن در نظر گرفتن بخشی از کار، بر اساس ابتکارات خودجوش، باید موارد اساسی فعالیت‌ها را از قبل با دقت برآورد و تا حد امکان سازماندهی نمود. این نوع از برخورد عقلایی با مسئله سبب می‌شود که فعالان و حاضران در حرکت اعتراضی در مقابل هیچ موقعیتی بطور کامل غافل گیر نشوند.

4- اطلاع‌رسانی و تبلیغات: هر حرکتی، تا زمانی که بطور وسیع انعکاس ارتباطاتی نداشته باشد، تاثیر گذار نخواهد بود. به همین خاطر فعالان حرکت‌های اعتراضی باید از قبل پیش‌بینی‌های لازم را برای کشاندن خبرنگاران و دوربین‌های خبرگزاری‌های داخلی و خارجی به محل‌های تجمع و اعتراض‌گری خود جلب کنند. در غیر این صورت کنش آنها در گمنامی و سکوت وسایل ارتباط جمعی خواهد گذشت. در این رابطه شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی از مطبوعات خواسته است که اخبار اعتصابات و تحصن معلمان و کارگران را سانسور نمایند. این نشان می‌دهد که رژیم اسلامی بر روی خفه کردن ارتباطاتی این حرکت‌ها حساب باز کرده تا بعد، به راحتی به سرکوبشان بپردازد. در زمینه اطلاع‌رسانی بخصوص این ایرانیان خارج از کشور هستند

که باید به حرکت‌های داخل کشور ابعاد بین‌المللی دهند. در جریان گذاشتن وسایل ارتباط جمعی و خبرگزاریها از این حرکتها بسیار اهمیت دارد. اعتصاب يك هفته ای معلمان از جمله مواردی بود که می‌توانست در عرصه ی تبلیغاتی خارج از کشور سر و صدای زیادی برپا کند. اما متأسفانه کم‌کاری اپوزیسیون مانع از این کار شد.

5- مورد دیگر، ساختن چتر حمایتی از جنبش می‌باشد. هر حرکت صنفی که تنها بماند سرکوب خواهد شد. به همین دلیل نیز باید در جستجوی جذب و جلب حمایت سایر اقشار، انجمن‌های و یا نهادهای غیر دولتی بود. بطور مثال فرهنگیان باید حمایت کارگران، دانشجویان و دانش‌آموزان را از خود برانگیزند. این چتر حمایتی تضمین‌کننده وجود پشتیبانی برای وارد شدن به مراحل جدیتر حرکت می‌باشد. در جریان اعتصاب اخیر معلمان، حمایت‌های عملی دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها سبب شد که رژیم، فکر سرکوب عملی معلمان را به ذهن خود راه ندهد. حمایت متقابل طبقات اجتماعی هم درد و افشار حرفه ای و صنفی از همدیگر يك عامل مهم در موفقیت حرکت‌های اعتراضی هر يك از آنهاست.

6- نکته ی آخر این که باید اهمیت زیادی به استراتژیک بودن حرکت‌های صنفی داد. یعنی این‌گونه حرکتها نباید خود را به کنش‌های مقطعی و پراکنده محدود کنند. آنچه مهم است داشتن يك استراتژی دراز مدت برای دست‌یابی به اهداف تعیین شده می‌باشد. اتحادیه‌های کارگری و صنفی در اروپا به این طریق عمل می‌کنند که نخست خواسته‌های خود را به مقامات مسئول یا کارفرما ارائه می‌دهند. این کار از طریق کتبی و یا از طریق دیدار با نمایندگان اتحادیه‌ها صورت می‌گیرد. در صورت عدم توافق در این مرحله، اتحادیه برای خواسته‌های حتمی خود تاریخی را تعیین می‌کند. در صورت عدم پاسخ مثبت به این خواسته‌ها در تاریخ فوق، يك اعتصاب سازماندهی می‌شود. اعتصاب‌ها از حیث زمانی به دو نوع محدود یا نامحدود تقسیم می‌شود. اعتصاب محدود جنبه ی اخطار و فشار آوردن به مسئولان دارد. در صورتی که نتیجه دهد و مذاکرات از سرگرفته شده و به نتیجه رسد، اعتصاب دیگر تکرار نمی‌شود. اما اگر حاصلی نداشته باشد اعتصاب تمدید می‌شود. اعتصاب نامحدود که موثرترین شیوه است تا زمان دست‌یابی به اهداف اظهار شده ادامه خواهد یافت. به همین خاطر در ایران نیز باید فرهنگیان، کارگران، کارمندان و غیره استراتژی و تاکتیک‌های اعتراض‌گری خود را از قبل تعیین کرده و برای آن برنامه ریزی کنند. آنچه مهم است این که حرکت هرگز به صورت بی‌نتیجه پایان نیابد.

در سایه ی رعایت مواردی از این دست می‌توان امیدوار بود که حرکت‌هایی مانند جنبش صنفی فرهنگیان بتواند دولت را در مقابل تن دادن به تغییراتی اساسی و یا کنار رفتن از مسند قدرت قرار دهد. حرکت‌های ناقص و بی‌سازمان به هیچ يك از این دو منجر نمی‌شود و تنها وقت و فرصت‌ها را از بین می‌برد. به همین دلیل نیز توجه به نکاتی که در مبارزات حرفه ای باید رعایت شود از ضروریات پیش‌بردن آنها در شرایط کنونی ایران است. امیدوار باشیم که افراد با تجربه و با دانش در این زمینه‌ها به انتقال داده‌های لازم به نسل مبارز کنونی اقدام کنند و فعالان جنبش‌های اعتراضی نیز در ایران، در پی بدست آوردن دانش لازم و تدوین تجارب عملی خود در صحنه مبارزات صنفی باشند. بکارگیری رسانه‌های فارسی زبان خارج از کشور برای این منظور مفید است و اجازه می‌دهد که در نبود يك رهبری واحد برای جنبش نوعی **رهبری جمعی**، متشکل از پیشنهادات، راهکارهای و ابتکارهای همه ی فعالان سیاسی در داخل و خارج از کشور، جنبش‌های اعتراضی کشور را به پیش برد.

* *